



## خاندان خوانساری

### و ترجمه حدیث

عصر صفویه در تاریخ ایران، از یک نگاه، دوران رشد و بالندگی دانش های حدیثی به شمار می رود؛ چرا که در این عصر، چهار حرکت بزرگ حدیثی در دنیای تشیع پا گرفت:

(۱) تدوین موسوعه های بزرگ حدیثی، چون: وسائل الشیعة، الوافی، بحار الأنوار والعوالم؛

(۲) شرح نویسی بر متون حدیثی، مانند: ملاذ الأخیار (شرح تهذیب الاحکام)، مرآة العقول (شرح الکافی)، روضة المتقین (شرح من لایحضره الفقیه) لوامع صاحبقرانی (شرح من لایحضره الفقیه)؛

(۳) تدوین تفسیرهای روایی، چون: البرهان و نور الثقلین؛

(۴) ترجمه گسترده احادیث به زبان فارسی.

در این مقال، سخن درباره ترجمه احادیث و نقشی است که خاندان خوانساری در این باب، ایفا کرده اند.

نخست باید اذعان کرد که ترجمه و برگردان علوم به زبانهای دیگر، نشانِ اهتمام به «تبادل دانش» و «ساده سازی میراث علمی» است و همین دو انگیزه،





مبنای رویکرد مسلمانان به ترجمه در دوره های مختلف بوده است؛ از ترجمه علوم یونانی به عربی در عصر نهضت ترجمه گرفته، تا ترجمه متون دینی قرآن و حدیث به زبانهای غیر عربی.

گرچه نخستین ترجمه های فارسی کتب حدیث در قرن ششم صورت گرفته است (یعنی ترجمه «بصائر الدرجات» توسط ایاز بن عبدالله به سال ۵۷۹ قمری)<sup>۱</sup>، لیک نهضت برگردان کتب حدیث به زبان فارسی، به عصر صفویه باز می گردد.

برخی از مهمترین آثار ترجمه شده در این عصر، عبارت اند از: اربعین حدیث (۹۲۷ق)،<sup>۲</sup> جزیره خضرا (۹۴۰ق)،<sup>۳</sup> احتجاج طبرسی (۹۴۹ق)،<sup>۴</sup> نهج البلاغه (۹۵۰ق)،<sup>۵</sup> مَهَج الدعوات (۱۰۳۲ق)،<sup>۶</sup> اربعین شیخ بهایی (۱۰۵۵ق)،<sup>۷</sup> صحیفه سجّادیه (۱۰۵۹ق)،<sup>۸</sup> توحید مفضل (۱۰۶۵ق)،<sup>۹</sup> عیون اخبار الرضا (۱۰۶۵ق)،<sup>۱۰</sup> اقبال (۱۰۷۰ق)،<sup>۱۱</sup>

پرتال جامع علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۴، ص ۸۴.
۲. همان، ص ۷۷.
۳. همان، ص ۹۳.
۴. همان، ص ۷۵.
۵. همان، ص ۱۴۵.
۶. همان، ص ۱۴۰.
۷. همان، ص ۷۷.
۸. همان، ص ۱۱۱.
۹. همان، ص ۹۱.
۱۰. همان، ص ۱۲۱.
۱۱. همان، ص ۸.





صحیفه سجّادیه (۱۰۷۳ق)،<sup>۱۲</sup> صد کلمه جا حظ (۱۰۷۴ق)،<sup>۱۳</sup> توحید مفضل (۱۰۸۰ق)،<sup>۱۴</sup> صحیفه سجّادیه (۱۰۸۳ق)،<sup>۱۵</sup> مصباح المتهجد (۱۰۸۶ق)،<sup>۱۶</sup> عهدنامه مالک اشتر (۱۰۹۴ق)،<sup>۱۷</sup> توحید مفضل (۱۱۱۰ق)<sup>۱۸</sup> و ....

در قوام و سرعت بخشیدن به نهضت ترجمه حدیث، باید سهم بزرگی برای خاندان خوانساری - یعنی آقا جمال (م ۱۱۲۲ق) و آقارضی (م ۱۱۱۳ق) - قائل شد. چرا که این دو برادر، ده اثر حدیثی را (در حجم تقریبی پانزده مجلد) به فارسی برگرداندند و از این جهت، تاثیر قابل ملاحظه ای بر معاصران خود داشتند.

آثار ترجمه شده توسط آقا جمال خوانساری بدین قرارند:

۱- شرح و ترجمه «غررالحکم»،

۲- ترجمه «الفصول المختارة»،

۳- ترجمه «مفتاح الفلاح»،

۴- شرح و ترجمه دعای صباح،

۵- شرح و ترجمه احادیث طینت،

۱۲. همان، ص ۱۱۲.

۱۳. همان، ص ۱۱۲.

۱۴. همان، ص ۹۱.

۱۵. همان، ص ۱۱۲.

۱۶. همان، ص ۱۳۶.

۱۷. همان، ص ۱۱۹.

۱۸. همان، ص ۱۱۰.





۶- ترجمه داستان طرِمَاح،

۷- ترجمه «صحیفه سجّادیه». ۱۹

آثار ترجمه شده توسط آقا رضی خوانساری نیز عبارت اند از:

۱- ترجمه و شرح حدیث حمّاد،

۲- ترجمه و شرح حدیث بیضه،

۳- ترجمه «نهج الحق».

انگیزه ای که آقا جمال برای ترجمه برخی آثار برمی شمارد، همان همگانی نمودن و ساده سازی فرهنگ دینی است. وی در مقدمه ترجمه «الفصول المختارة» چنین نگاشته است:

مفید این معنا بود که کتاب «مجالس» شیخ الاسلام و المسلمین، برهان الموحدین، غیاث الفرقة الناجية، شهاب مروة الفئدة الباغية، مفید الدین محمد بن محمد النعمان - علیه شایب الغفران من الملك والدين - را که مشتمل بر بسی فوائده و معانی دقیق و مناظرات لطیفه است و الحق هر بابی از آن، بوستانی است پر گل و ریحان و روضه ای است مزین به لاله نعمان و هر مجلسی از آن، به زینت، مملو از نکته های غریب تمام قدسی وطن و فکرهای نازک جمله گل پیرهن، ترجمه کنم تا فایده آن عام و اثرش در روزگار، تمام باشد؛ زیرا کتاب مزبور به زبان عربی تألیف شده و اکثر ساکنان بلاد عجم از معرفت آن بی بهره اند. ۲۰

جمال الدین محمد  
الخوانساری



۱۹. همان، ص ۱۱۲.

۲۰. مناظرات (ترجمه «الفصول المختارة»)، ص ۳۹.



در ترجمه های خاندان خوانساری، چند نکته قابل درنگ و تحسین برانگیز به چشم می خورد:

۱) شخصیت علمی آقا جمال و آقا رضی خوانساری بر کسی پوشیده نیست. آقا جمال، کتابهای «شرح لمعه»، «حاشیه خفّری» و «شفا» را تحشیه و آنها را شرح کرده است.

آقا رضی نیز بر کتابهای «شرح لمعه»، «حاشیه خفّری»، الهیات «شرح تجرید» و «دروس» شهید اول، شرح و حاشیه دارد. این شرح و تحشیه ها، مرتبت علمی این اندیشمندان را در حوزه های فلسفه، فقه و کلام، نشان می دهد. اینان با این رتبه علمی، به ترجمه رو کردند. بدان معنا که تلقی ایشان از ترجمه، امری سطحی و عامیانه نبود؛ بلکه آن را نوعی تبادل دانش و فرهنگ شمرده، برایش تخصص های لازم را شرط می دانستند.

۲) دقت و امانت در نقل مضامین زبان مبدأ به زبان دوم، به روشنی در ترجمه های برادران خوانساری مشهود است.

آقا جمال در ترجمه «غرر» در موارد بسیاری، معانی محتمل را بازگو می کند و به سادگی از یک ساختار، عدول نمی ورزد. به عنوان نمونه در ترجمه «قَد» که بر سر فعل مضارع درآمده باشد، چنین نوشته است: «گاه هست یا بسیار است». ۲۱ در ترجمه «شَرُّ الْفَقْرِ الْمُنَى» می نویسد: «بدترین درویشی، آرزوهاست و ممکن است که ترجمه، این باشد که: بدی درویشی، آرزوهاست». ۲۲ در ترجمه «شَرُّ الْأُمْرَاءِ مَنْ ظَلَمَ رَعِيَّتَهُ» گفته است: «بدترین امرا کسی است که ستم

۲۱. شرح غررالحکم، ج ۴، ص ۴۶۸-۴۷۲.

۲۳. همان، ص ۱۷۲.





کند رعیت خود را و ممکن است که ظلم به صیغه مجهول خوانده شود و ترجمه، این باشد که: بدترین اُمرا کسی است که ستم کرده شود رعیت او».<sup>۲۳</sup>

در ترجمه این عبارت دعای صباح: «و ترزق من تشاء بغیر حساب»، می نویسد: و روزی می دهی هر کسی را که می خواهی، بی اندازه و شمار، یا بی محاسبه و بازخواستی.<sup>۲۴</sup>

پاره دیگری از آن دعا (و حَقِّ بفضلك املی و رجائی) را چنین ترجمه کرده است: «و محقق ساز به سبب فضل خود یا در حالتی که تفضل کننده ای بر من، آرزو و امید مرا».<sup>۲۵</sup>

اینها نمونه هایی اندك بود که به صورت گذرا برگزیده شد و تا اندازه ای می تواند این ادعا را به اثبات رساند.

۳) روانی و سلیس بودن و گستردگی واژگان، از دیگر خصوصیات این ترجمه هاست.

البته ناگفته نماند که این ویژگی را باید با درك محیط علمی-ادبی آن دوره، مورد داوری و قضاوت قرار داد.

اگر به ادبیات سه قرن پیش زبان پارسی بازگردیم و برادران خوانساری را با اقران ایشان بسنجیم، به این امتیاز برمی خوریم. گرچه برخی آثار آنها بر پاره ای از ترجمه های امروزی کتب حدیث نیز برتری دارد.

به هر روی، تلاش خوانساری ها در برگردان احادیث به زبان فارسی، از

۲۳. همان.

۲۴. رسائل (شانزده رساله)، ص ۳۳۱.

۲۵. همان، ص ۳۳۷.





جهت کمی و کیفی، درخور تحسین و تقدیر است و ترجمه های آنها را می توان از نمونه های برتر این دوره از تاریخ ترجمه حدیث به شمار آورد.

پس از این دوره، ترجمه حدیث، رونق بیشتری یافت. چنان که شیخ آقا بزرگ تهرانی از بیش از یکصد و سی ترجمه متون حدیثی یاد می کند که در دوره پس از خوانساری ها تا زمان تألیف «الذریعة» پدید آمده اند.<sup>۲۶</sup> پس از آن نیز شاهد ترجمه های فراوان دیگری از کتب حدیث بوده ایم، چون ترجمه های متعدد نهج البلاغه، ترجمه های اصول کافی، و ...

آنچه در پایان باید بدان اشاره کرد تا در مجالی دیگر به تفصیل بدان پرداخته شود، آشفتگی و سستی اکثر ترجمه هایی است که از احادیث صورت می گیرد. نقد و بررسی ترجمه های موجود و نشان دادن کاستی ها می تواند در حرکت به سوی اطمینان برگردانها و دست یابی به اصول و قواعد ترجمه متون دینی، مؤثر افتد. چنان که نظارت یک هیئت علمی بر ترجمه های احادیث (مانند ترجمه های قرآن) نیز می تواند در تقلیل لغزش ها مفید باشد.

در اینجا همه دانشوران را به توجه و اهتمام به این امر، فرامی خوانیم و ناگفته نگذاریم که در این باره، به نقد و بررسی ترجمه های کتب حدیث و نیز تدوین اصول و قواعد ترجمه حدیث از سوی دانشوران، امید بسته ایم و فصلنامه علوم حدیث می تواند بستری برای نشر این نوشته ها و تبادل اندیشه ها باشد.

سردبیر

